

محمد سعید اردوبادی

# تبریز مه آلود

(جلد اول)

ترجمہ

رحیم رئیس نیا



مؤسسہ انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

اردوبادی، محمدسعید، ۱۸۷۲-۱۹۵۰.

Ordubadi, Mohammad Said

تبریزمه‌آلود / محمدسعید اردوبادی؛ ترجمه رحیم رئیس‌نیا.  
تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۸۴، ۱۲۷۷ ص، دوره دوجلدی.

ISBN: 978-964-6736-85-6 (جلد اول)

ISBN: 978-964-351-000-8 دوره ۸

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. داستانهای ترکی - آذربایجان (جمهوری) - قرن ۲۰.  
۲. ایران - تاریخ - انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ق. - داستان.

الف. رئیس‌نیا، رحیم، ۱۳۱۹ - ، مترجم. ب. عنوان.

ت ۴۳/الف/۳۱۴ PL ۸۹۴/۳۶۱۳ الف ۱۳۸۴

کتابخانه ملی ایران ۱۹۵۱-۷۸م

تبریز مه‌آلود (جلد اول)

نوشته محمدسعید اردوبادی

ترجمه رحیم رئیس‌نیا

چاپ هفتم: دی ۱۴۰۰؛ حروف‌نگار: افسانه یونانی؛ لیتوگرافی: اطلس چاپ

چاپ: شاهین؛ شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۷۳۶-۸۵-۶

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۳۵۱-۰۰۰-۸

حق چاپ محفوظ است.

\* \* \*

مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

دفتر مرکزی: خ انقلاب، خ شهدای زاندارمری، بین خ. فخر رازی و خ. دانشگاه پلاک ۶۳، طبقه ۵

تلفن: ۱۲-۶۶۹۷۵۷۱۱، ۸-۳۷۷-۶۶۴۸۰، ۶۶۴۶۶۹۴۰، تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷

فروشگاه: خ کریمخان، بین ایرانشهر و ماهشهر، پلاک ۱۴۰

تلفن: ۸۸۴۹۰۱۳۸-۸۸۴۹۰۱۹۵

www.negahpub.com info@negahpub.com

Email: negahpub1@gmail.com

## پیش‌گفتار

محمد سعید اردوبادی را آغازگر رمان تاریخی و تبریز مه‌آلود را سرآغاز این نوع ادبی در تاریخ ادبیات جمهوری آذربایجان به‌شمار آورده‌اند. این اثر چهار جلدی در فاصلهٔ سال‌های ۴۸-۱۹۳۳ انتشار یافته است. راهی که م.س. اردوبادی را به تبریز مه‌آلود رسانده از کجاها و چگونه گذشت؟

### زایش و بالش

وی در سال ۱۸۷۲، در اردوباد، شهری در کنارهٔ چپ ارس و در مقابل شهر سیهرود ایران و نزدیک به جلفا به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را نزد پدرش - که معلمی بود به نام حاجی آقا و به ترکی آذربایجانی و فارسی شعر می‌گفت و دیوانی به عنوان گلشن عرفان از خود به یادگار گذاشته و از اعضای انجمن شعرای اردوباد بوده - شروع کرد. پدر، که تخلص فقیر را بی‌مناسبت انتخاب نکرده بود، تحمل فقر و عوارض آن را نیاورده، هنگامی که محمد نوجوانی ده دوازده ساله بوده، درگذشت و استعداد شاعری و دستنویس دیوان خود را برای فرزند خود به ارث گذاشت...

محمد سعید که برای گذران زندگی مجبور به کار کردن در کارگاه نوغان‌داری شده بود، تحصیل خود را پیش محمدتقی صدقی صفروف، از دوستان پدرش و از بنیان‌گذاران انجمن شعرای اردوباد، ادامه داد. آشنایی با این معارف‌پرور خودساخته و نوآور را یکی از عوامل مؤثر در گام‌گذاری او در راهی به‌شمار آورده‌اند که منازل مختلف آن را بعدها پیمود.

محمدتقی صدقی که در سال ۱۸۵۴ در اردوباد به دنیا آمده بود، چند سال از

جوانی خود را در آذربایجان ایران گذرانده، پس از بازگشت به زادگاه خویش در ۱۸۸۵، تشکیل خانواده داده، برای امرار معاش قهوه‌خانه‌ای باز کرد. این قهوه‌خانه در اندک مدتی تبدیل به مرکز تجمع روشنفکران و فرهنگدوستان آن شهر، که ارتباط اقتصادی و فرهنگی‌اش با این سوی ارس کمابیش ادامه داشته، شد. به نوشته محمدعلی صدقی صفروف، فرزند دانشور محمدتقی «در آن قهوه‌خانه اشعار شاعرانی چون سعدی، حافظ، فردوسی، نظامی گنجوی قرائت و تجزیه و تحلیل می‌شده است. در عین حال پدرم روزنامه‌هایی نیز از ایران، روسیه و عثمانی دریافت می‌داشته، که دوستانش آنها را مخفیانه مطالعه می‌کرده‌اند؛ زیرا که عوام‌الناس خواندن روزنامه را گناه و روزنامه‌خوان‌ها را کافر به‌شمار می‌آورده‌اند».

میرزا محمدتقی سرانجام به یاری حسین سلطان کنگرلو، یکی از همفکران خود، مدرسهٔ اختر را، که نخستین مدرسه با اصول جدید در منطقهٔ نخجوان بود، در سال ۱۸۹۲ بنیان‌گذاری کرد. م.س. اردوبادی بعدها از این مدرسه به عنوان پرورشگاه معلمان نوآر و نوآباد کرد.

وقتی آوازهٔ مدرسهٔ اختر به نخجوان رسید، گروهی از روشنفکران آنجا صدقی را برای تأسیس مدرسه‌ای جدید مصرانه به شهر خود دعوت کردند. بدین ترتیب وی مدرسهٔ تربیه را در سال ۱۸۹۴ در آن شهر بنیان گذاشت و دو سال بعد آن را به بنای جدیدی که به یاری معارف پرورانی چون حاجی زین‌العابدین تقی‌یف<sup>۱</sup>، سرمایه‌دار معروف و سرلشکر اسماعیل‌خان نخجوانسکی - از خاندان معروف کنگرلو، که پس از بازنشستگی در زادگاه خود به فعالیت‌های عمرانی اشتغال داشته، و دختر خورشید بانو ناتوان شاعرهٔ بلندآوازه عرووش بوده و در ۱۹۰۸، در ۸۹ سالگی درگذشته<sup>۲</sup> - ... ساخته شده بود، انتقال داد.

جالب توجه است که بعضی از ایرانی‌ها نیز در زمرهٔ یاری‌کنندگان به این مدرسه بوده‌اند. چنان‌که حبیب‌الله‌خان مجیدالملک، رئیس تذکره‌های آذربایجان

۱. در مورد کمک حاجی به مدرسهٔ مذکور، ر.ک: ایران و عثمانی در آستانهٔ قرن بیستم، رئیس‌نیا، ج ۱، ص ۳۱۷.

2. Azərbaycan Generalları, Nəzərli, Bakı / 1991, S.189.

قرار گذاشته بود که «هر سالی مبلغ پنجاه تومان، امین تذکره جلفا به مکتب مزبور پرداخته و مبلغی هم فی‌المجلس [هنگامی که برای سرکشی به امور به سرحد جلفا رفته بوده] اعانه فرموده ... از جانب عموم وکلا و شاگردان مکتب تربیه، این ملت پرستی و ترقی خواهی ایشان را با صمیم قلب تشکر و سپاسداری کرده‌اند.<sup>۱</sup>

سید حسن تقی‌زاده، که پدرش زاده یکی از دهات اطراف اردوباد بوده و خود یکی دو بار در آستانه انقلاب مشروطه گذارش به اردوباد و جلفا و نخجوان افتاده و با روشنفکران آن ولایت آشنایی داشته، از معلم نوگرای مورد بحث چنین یاد می‌کند:

«از اشخاص متجدد بیدار قفقاز - که آن وقت‌ها فرق زیادی بین

مسلمانان قفقاز و ایرانیان نبود و قفقازی‌ها خود را مثل ایرانی دانسته و هم‌درد ایرانیان بودند... و روشنفکرها به تبریز گاهی می‌آمدند و از این طبقه تأثیرات در آذربایجان پیدا شده بود - مشهدی تقی صدقی اردوبادی، از اشخاص بسیار تجدد دوست و ترقی طلب بود که در اردوباد مکتب به طرز جدید باز کرد و نظر دوایر بالاتر را جلب نمود. او را به نخجوان دعوت کردند و آنجا مدرسه خوبی راه انداخته و به نشر افکار جدید پرداخته و نوشتجاتی به فارسی داشت و به ترکی نیز مقالات و رساله‌ها می‌نوشت که یکی به مناسبت جشن صدساله پوشکین بود و یک مقاله او را به اسم سوز (کلام) ما در تبریز به شکل رساله چاپ کردیم.<sup>۲</sup>

ناگفته نماند که مقالات و اشعاری نیز از صدقی در شماره‌های مختلف جریده ناصری تبریز به چاپ رسیده است. سرمحرر روزنامه در مقدمه‌های سروده‌ها و نوشته‌های «جناب مبادی آداب آقامشهدی تقی صدقی» با عباراتی چون «یک تن از معروفین معارف‌پروران و دانشوران این عهد» و «وجود محترمشان برای ترویج معالم انسانیت و تزیین عوالم مدنیت خیلی لازم و در کار می‌باشد و واقعاً خداوند روز به روز بر تعداد امثال چنین اشخاص در میان مسلمین بیفزاید...»<sup>۳</sup>

۱. ناصری، ش ۲۶ / ۱۱ جمادی الثانی ۱۳۱۳ / ۲۹ نوامبر ۱۸۹۵).

۲. «تهیه مقدمات مشروطیت در آذربایجان»، نشریه کتابخانه ملی، ش ۱ (تیر ۱۳۳۸)، ص ۲۲.

۳. ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، ج ۲، صص ۹۱۶-۱۸.